

خسرم قلبی

نویسنده و تصویرگر:

میری دلانسه

مترجم:

سید محمد مهدی نجابی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خسب قلب

نویسنده و تصویرگر:

میری دلانسه

مترجم:

سید محمد مهدی شجاعی



برای گروههای سنی
«الف» و «ب»

d' Alliance, Mireille

دلانسه، میری

۱۵۲

خشم قلمبه / نویسنده میری دلانسه؛ مترجم محمد مهدی شجاعی.

/۴۷

تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۸۷.

خ ۶۲۷

۳۲ ص: مصور (رنگی).

ISBN:978-964-391-377-9

قیمت: ۸۰۰ تومان

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Grosse Colère

عنوان اصلی:

گروه سنی: الف، ب.

۱. خشم (روانشناسی) - داستان. ۲. کودکان - روانشناسی - داستان.

الف. شجاعی، محمد مهدی، مترجم. ب. کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان، ج. عنوان.



کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

خشم قلمبه

نویسنده و تصویرگر: میری دلانسه

مترجم: سید محمد مهدی شجاعی

ویراستار: علی خاکبازان

ناظر هنری: کوروش پارسائواد

صفحه آرا: علی خوش جام

چاپ اول: ۱۳۸۷ تعداد: ۱۵۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ: کانون چاپ

ح) کلیه حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان خالد اسلامبولی، شماره ۲۴.

تلفن: ۲-۸۸۷۲۱۲۷۰ و ۹-۸۸۷۱۵۵۴۵

مرکز پخش: تهران، خیابان فاطمی، خیابان حجاب، مرکز فروش و اشتراک.

تلفن: ۸۸۹۶۴۱۱۵ و ۸۸۹۶۲۹۷۲

نشانی اینترنتی: www.kanoonparvareh.comwww.hodhod.irپست الکترونیکی: info@kanoonparvareh.com

شماره چاپخانه: ۱۰۰۱۸۰۰

شابک: ۹-۳۷۷-۳۹۱-۹۶۴-۹۷۸

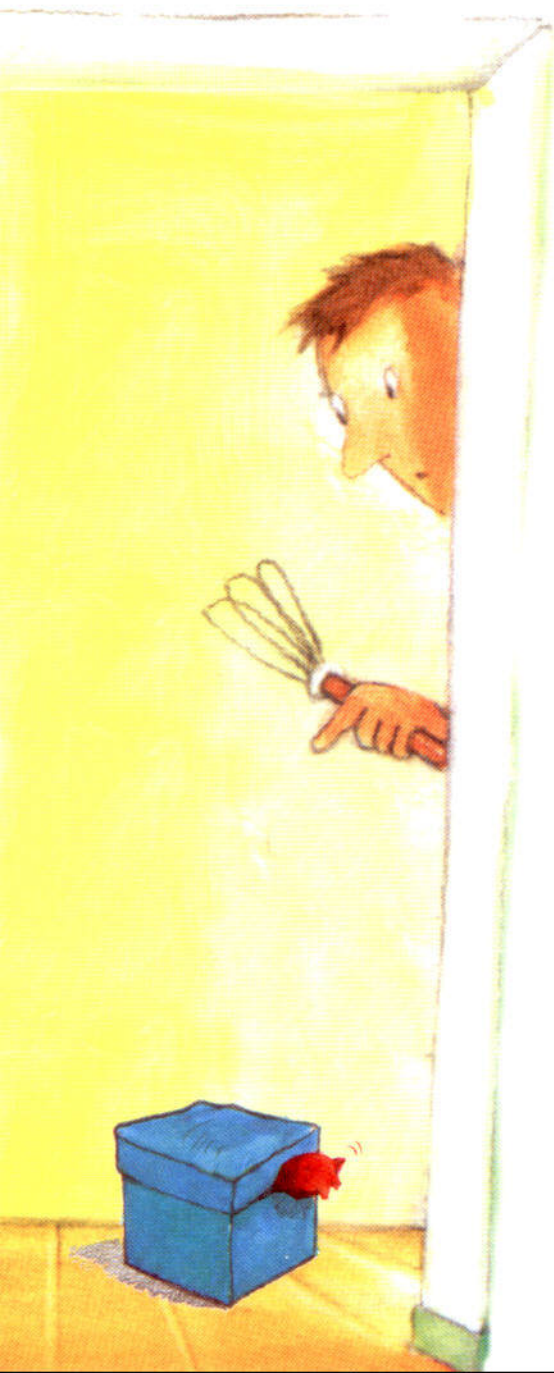
ISBN:978-964-391-377-9

این کتاب با رعایت قوانین بین‌المللی نشر (کپی‌رایت) و اجازه رسمی انتشارات l'école des Loisirs

از کشور فرانسه به چاپ رسیده است.

خواهشمند است نظرات خود را درباره این کتاب با ذکر نام آن به صورت پیامک برای ما ارسال فرمایید.

بیامک
۲۰۰۰۴۸۲۴
راه ارتباط ما با شما



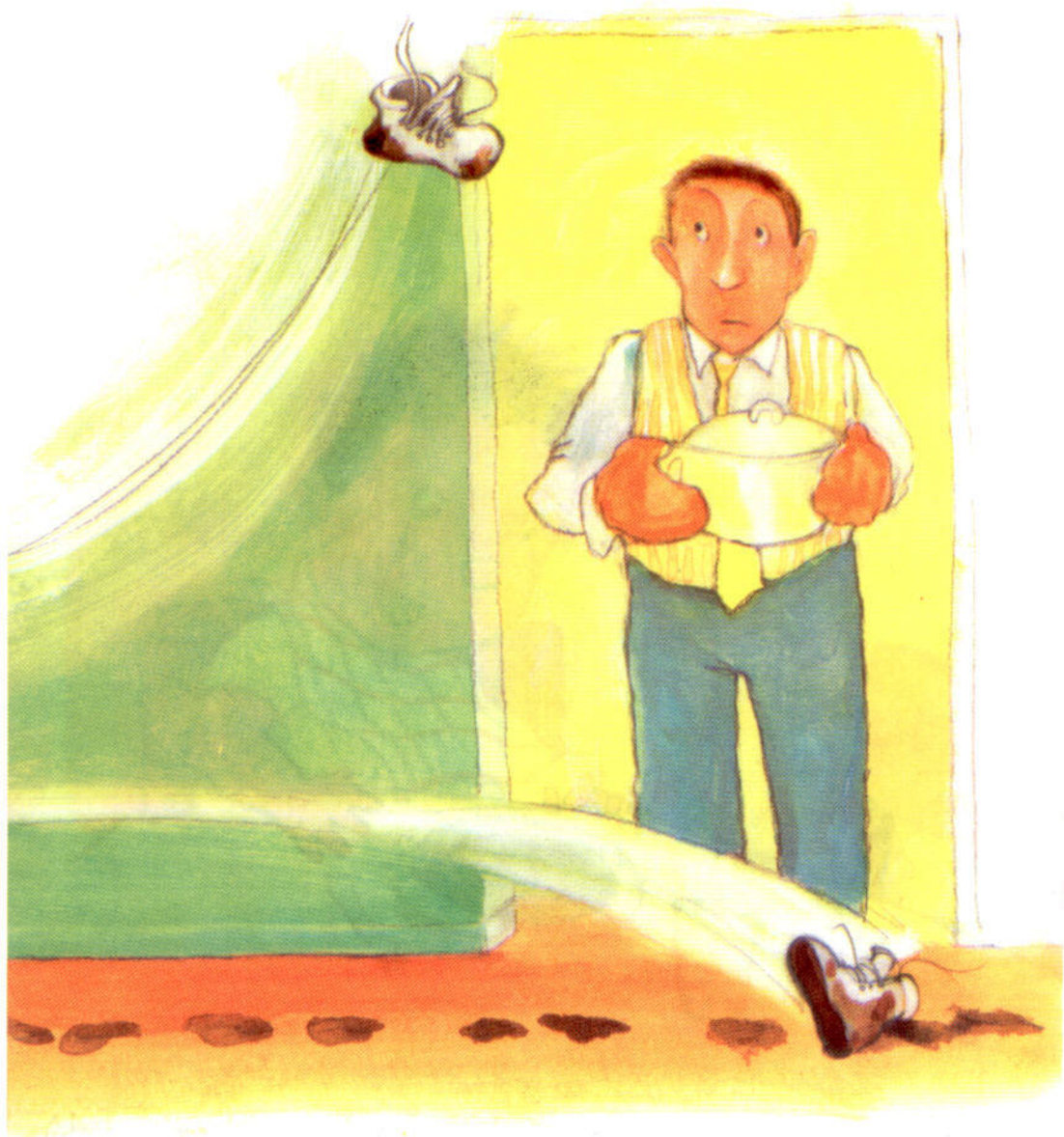
نِسْمَ قَلْبِ



پسر کوچولو روز خیلی بدی را گذرانده است.



وای، وای، وای...! کفش‌هایت را دریاور!



بگیر که آمد.



شام اسفناج بود، پسر کوچولو فریاد زد: «مگر نمی‌دانی که من اسفناج دوست ندارم.»



- برو بالا تو اتاق! هر وقت آرام شدی برگرد پایین!
- اصلاً هم بر نمی‌گردم.



در اتاق، پسر کوچولو احساس کرد از اعماق وجودش یک چیز
وحشتناک بالا می‌آید.



بالا بالا بالا می آید تا اینکه...

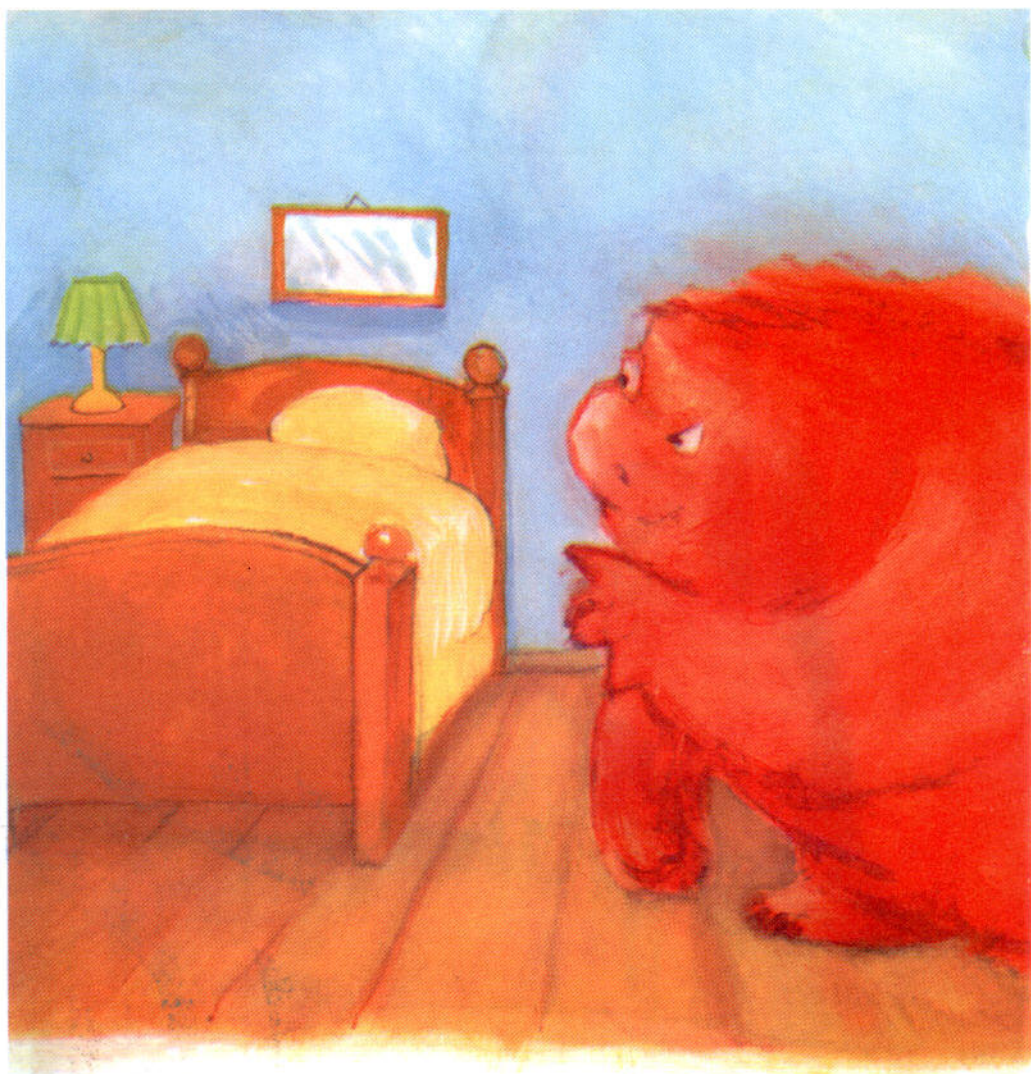
هه! ...
و یک دفعه خارج شد.







قلمبه گفت: «سلام، حالا چه کار کنیم؟»
- هه هه، هر کاری که دوست داری.

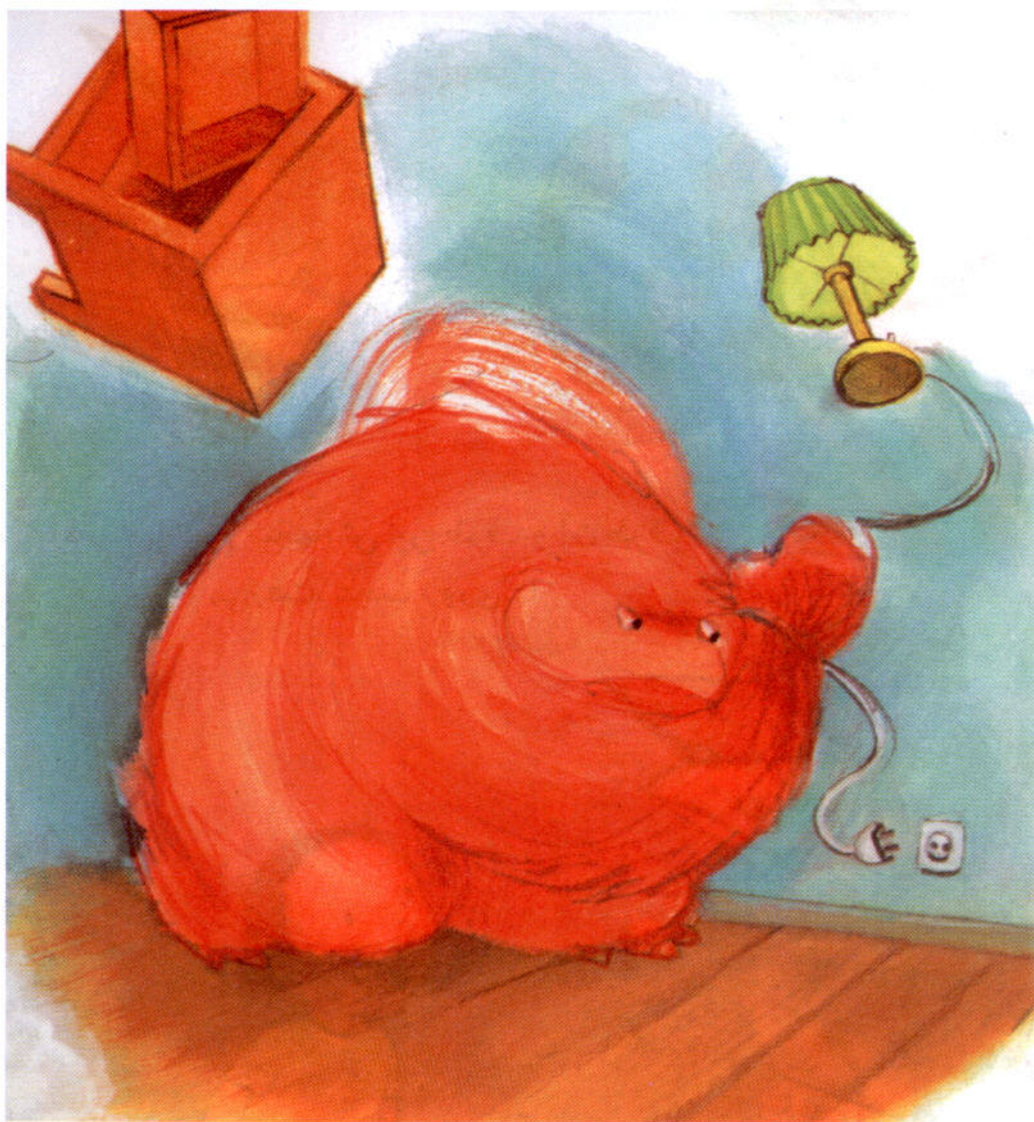


۱۷


– آهان! خوب از آنجا شروع می‌کنیم.



تشک و بالش‌ها در هوا پرواز می‌کردند.



ت... ق! ميز
ت... وق! چراغ خواب

A colorful illustration of a young boy with dark skin and hair, wearing a yellow t-shirt and green shorts, standing on a wooden floor and looking up in amazement. The background is a light blue sky. Various school supplies are floating in the air: a globe, a green pencil case, a pen, a paper airplane, a book, a paint palette, a clock, and several small square objects. The scene is whimsical and imaginative.

قفسه با تمام کتابهایش این طرف و آن طرف
می رفت. عجب زوری...!





و بعد قلمبه به جعبه اسباب بازیها نزدیک شد.
«صبر کن، به آن کاری نداشته باش.»



– آهای! با تو هستم، می شنوی؟ صبر کن!



– وای نه! کامیون نازنینم! تعمیرت می‌کنم.



– و تو، قلمبه! برو پی کارت! دوست داری کوچولوت کنم؟

- آخ! چراغ خواب نازنینم،
یک کم صبر کنی سر جای
قبلی می گذارمت.



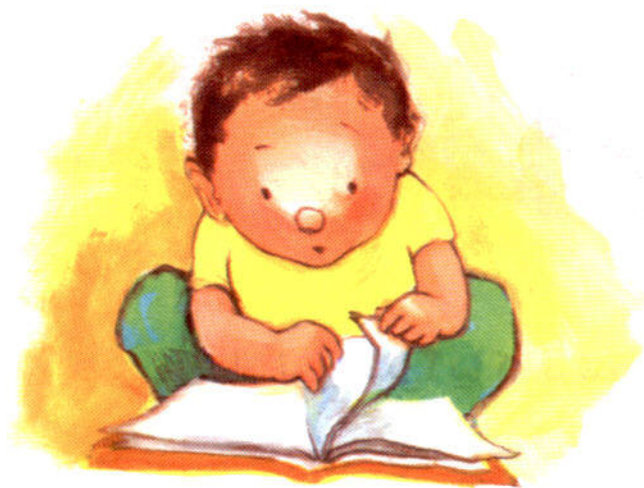
- آخی، نازی! بالشتک
مچاله شده من.



- کتاب خوشگلم،
عزیز کم! قلمبه تمام
ورقه‌ایت را کج و کوله
کرده است.



- آهان، این جوری
بهتر شد.





- ا... تو اینجایی؟ بیا که گرفتم.



– یالا، برو داخل این جعبه، یادت باشد که دیگر شیطنت نکنی.



- بابایی! هنوز غذا داریم؟

